

سال دوم

جلسه ۷

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

دوشنبه ۹۰ / ۷ / ۱۱

دلیل اول

لازمه «موضوع له عام + مستعمل فیه خاص» :

۱. مجاز بودن استعمال این الفاظ در معنای خاص
۲. غلط بودن استعمال در معنای حقیقی

ان قلت : مجاز بلا حقیقت چه اشکالی دارد؟

قلنا : گروهی «محال» و گروهی «نادر» می دانند = نمی توان مشکوک را بر نادر حمل کرد

این اشکال به مرحوم آخوند وارد نیست

علت : چراکه ایشان مستعمل فیه را نیز «عام» می داند

«شکی نیست تا حمل مشکوک بر نادر، لازم آید»

علت : مدعین «موضوع له عام ؛ مستعمل فیه خاص» شک ندارند و بر مدعای خود دلیل اقامه می کنند

به لزوم «استعمال مجازی» در جایی که استعمال در معنای حقیقی ممکن نباشد، ملتزم می شویم

علت : استحاله آن امر مسلمی نیست

نکته مهم : صحت استعمال مجازی متوقف بر وجود «موضوع له» است نه استعمال در موضوع له

تمام این امور زمانی است که معانی حرفی از نوع «استعمال لفظ در معنی» باشند نه صرف علائم ..

ان قلت
+
قلت

ما
می گوئیم

دلیل دوم

صغری : استعمال الفاظ مذکور در «مصادیق» شایع است
کبری : استعمال شایع نیز باید از نوع «استعمال حقیقی» باشد
نتیجه : این استعمالات باید «حقیقی» باشد

استعمال در مصادیق را نباید به معنای «استعمال در یک شیء» دانست

اینکه «اطراد» از علائم حقیقت باشد، محل بحث است

دلیل سوم

اگر موضوع له در این الفاظ «کلی» بود .. باید همان معنای بدون قرینه «متبادر» می شد
در حالی که چنین نیست

این دلیل را نمی پذیرد

مرحوم
مجاهد

این استدلال از قوت برخوردار است

ما
می گوئیم

دلیل چهارم

مفاهیم کلی «نکره» هستند

در حالی که «ضمائر ؛ موصولات و اسماء اشاره» معرفه هستند.

این دلیل را نمی پذیرد

مرحوم
مجاهد

نکره و معرفه در اینجا، «لفظی» است

توضیح : هو و الذی معرفه معنوی نیستند و معرفه بودن اینها از «قرائن کلامی» فهمیده می شود

ما
می گوئیم

دلیل پنجم

حروف و ضمائر دارای «معنای مجازی و معنای حقیقی» است

اگر «موضوع له عام + مستعمل فیه خاص» باشد = همه استعمالات مجازی می شود

مرحوم
مجاهد

این دلیل را نمی پذیرد

این کلام بنا بر مشی لغویون است

مرادشان این است: برای الفاظ ، یک مستعمل فیه «اولیه» است و یک مستعمل فیه «ثانویه»

اگر : مستعمل فیه «اولیه» ، حقیقی بود = مستعمل فیه «ثانویه» مجازی است

اگر : مستعمل فیه اولیه مجازی بود = مستعمل فیه ثانویه مجاز در مجاز است

ما
می گوئیم

این اشکال بر مثل مرحوم آخوند وارد نیست

دلیل ششم

اگر وضع و موضوع له، «عام» باشد:
در این صورت فرقی بین اسم و حرف نیست

این دلیل را نمی پذیرد

مرحوم
مجاهد

این اشکال از مهمترین اشکالات به این مبنی است
بعدا بحث می شود

ما
می گوئیم

اشکال : اگر موضوع له ضمائر «معنای عام» باشد، نمی توان درباره «مفاهیم کلی» به کار برد
در حالی که ممکن است = مفهوم الانسان هو الحيوان الناطق

مرحوم
مجاهد

جواب : مراد از جزئی، «جزئی اضافی» است نه «جزئی حقیقی»
مفهوم «الانسان» نسبت به مطلق مفاهیم، جزئی اضافی است